

مولفه‌های تاثیرگذار بر رویکرد اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران در دولت دهم

مجید نجات‌پور*

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی

عبادالله آذرگون

دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد شهررضا

محمد یوسفی جویباری

عضو هیأت علمی گروه علوم سیاسی دانشگاه آزاد واحد تبریز

چکیده

اهمیت ژئوپلیتیک ایران در کنار توانایی‌ها و ظرفیت‌های بسیار آن در ایجاد ثبات و امنیت منطقه‌ای، امنیت انرژی، مبارزه با تروریسم، مبارزه با قاچاق مواد مخدر و بهبود و ارتقاء اقتصاد جهانی سبب شده روابط با ایران همواره جایگاه و اهمیتی حیاتی برای اتحادیه‌ی اروپا و یکایک اعضای آن داشته است. با تغییر الگوی رفتاری ایران در سیاست خارجی به‌ویژه در موضوع برنامه هسته‌ای که در نهایت به ارجاع پرونده‌ی هسته‌ای ایران به شورای امنیت در سال 2006 منجر شد، روابط ایران و اتحادیه‌ی اروپا وارد مرحله‌ی جدیدی شد که بسیار سرد و سنگین شده بود. در این مقاله تلاش شده مولفه‌های تاثیرگذار بر رویکرد اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران در دولت دهم مورد بررسی قرار گیرد. بررسی نشان می‌دهد طی این دوره، عواملی هم‌چون فشار ایالات متحده آمریکا، ترس از بروز جنگ میان اسرائیل و ایران، هراس از بروز بی‌ثباتی و آغاز مسابقه تسلیحاتی در منطقه خاورمیانه و هم‌چنین تمایل اروپا به نشان دادن توانمندی‌های خود در حوزه مسایل امنیتی بر رویکرد رفتار اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران در دولت دهم تاثیرگذار بوده است. با این اقدام، اتحادیه سرانجام خود را با سیاست‌های آمریکا همگام ساخت و به ترمیم شکاف به‌وجود آمده در روابط خود با این کشور در موضوع هسته‌ای ایران برآمد.

کلید واژه‌ها

اتحادیه اروپا، ایران، دولت دهم، سیاست خارجی، پرونده هسته‌ای، حقوق بشر، تروریسم.

* Email: majidnejatpoor616@gmail.com

نگاه اروپا به ایران با توجه به جایگاه کشورهای اروپایی در نظام بین‌الملل و تاثیرگذاری آنها در موضوعات مهم جهانی از جمله پرونده هسته‌ای ایران حائز اهمیت است. کشورهای اروپایی همواره نگاه ویژه‌ای به منطقه خاورمیانه و خلیج فارس داشته‌اند. نفوذ سیاسی و تسلط بر بازارهای اقتصادی با توجه به جمعیت قابل توجه در این منطقه همواره از نکات قابل توجه اروپا به این منطقه بوده است. در این میان ارتباط با ایران به‌عنوان کشوری بزرگ با امکانات فراوان و در مجاورت دریای خزر و خلیج فارس برای اغلب کشورهای اروپایی حائز اهمیت بوده است. کشف نفت و برنامه‌های توسعه‌طلبانه ایران در دوران پهلوی اول و دوم و نگاه متقابل ایران و اروپا در تشدید این مناسبات اثرگذار بود. در این میان، موضوع جنگ سرد و قرار گرفتن ایران در مجاورت شوروی نیز در ایجاد نزدیکی میان اروپا و ایران موثر بوده است.

وقوع انقلاب اسلامی در ایران و سپس وقوع جنگ بین ایران و عراق (و حمایت اروپایی‌ها از عراق) هرچند بر روابط طرفین اثر منفی گذاشت؛ اما مناسبات اقتصادی کشورهای اروپایی و ایران (هرچند با شدت کم‌تر) تداوم یافت. صدور فتوای قتل سلمان رشدی هم با وجود قطع روابط سیاسی طرفین، روابط اقتصادی آنها را تحت الشعاع قرار نداد. رویکرد اروپا و آغاز گفتگوهای انتقادی نشان از آن داشت که ایران به‌رغم سیاست‌هایش از جایگاه خاصی در سیاست خارجی کشورهای اروپایی برخوردار است و اروپا به‌دلایل چندی خواستار تحکیم مناسبات دوجانبه با ایران می‌باشد. صدور حکم دادگاه میکونوس بار دیگر مناسبات سیاسی طرفین را تحت الشعاع قرار داد اما رویکردهای جدید ایران پس از دوم خرداد 1376 با استقبال طرف اروپایی مواجه شد و گفتگوهای سازنده جای گفتگوهای انتقادی را گرفت. تحکیم روابط که با سفرهای رئیس‌جمهور ایران به برخی از کشورهای اروپایی (برای اولین بار) تقویت شد، تا زمان آغاز پرونده هسته‌ای ایران ادامه داشت. با شروع بحث پرونده هسته‌ای و متعاقب به قدرت رسیدن اصولگرایان در ایران دوران سردی روابط طرفین آغاز شد که تا سال 1392 نیز ادامه داشت (سنایی؛ رحمتی مقدم، 1394: 94).

یکی از تغییرات عمده‌ای که در خصوص سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در این دوره به‌وقوع پیوست، تجدیدنظر آن در روابط با کشورهای غربی از یک‌سو و گرایش به‌دیگر مناطق جغرافیایی نظیر آمریکای لاتین، کشورهای شرقی در قاره آسیا و کشورهای آفریقایی بود. نکته‌ی حائز اهمیت آنکه، این اولویت‌بندی جدید از مناطق جغرافیایی، حاصل سرایت دادن ارزش‌های هنجاری به سیاست خارجی و برخلاف گرایش منفعت‌محور به غرب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بوده است. «عدالت‌طلبی» و «سلطه‌ستیزی» دو هنجاری بودند که جابه‌جایی اولویت‌های جغرافیایی جهت بسط روابط خارجی را در دولت دهم فراهم آورده بودند. پس از روی کار آمدن دولت احمدی‌نژاد و در دستور کار قرار گرفتن سیاست خارجی تهاجمی در موضوعات مختلفی از جمله اسرائیل و موضوع هسته‌ای، روابط ایران و اتحادیه اروپا با تنش‌های مختلفی روبرو شد.

اتحادیه اروپا که تا سال 2010 از اعمال تدابیر تنبیهی فراتر از قطعنامه‌های شورای امنیت خودداری می‌کرد، در چند سال گذشته تحریم‌های جامعی را علیه بخش انرژی و مالی ایران اعمال کرده است. می‌توان گفت اتحادیه اروپا در سال‌های گذشته در خصوص اتخاذ رویکرد تنبیهی در قبال ایران تردید داشت؛ چراکه این باور وجود داشت که تحریم‌های اقتصادی ابزاری خطرناک است و می‌تواند به منافع اتحادیه هم در بعد اقتصادی و هم دیپلماتیک آسیب وارد کند. اما با تشدید فشار آمریکا، وزرای اتحادیه اروپا 23 ژانویه 2012 مجموعه‌ای از تحریم‌ها از جمله تحریم‌های نفتی را به‌تصویب رساندند. این تصمیم به‌نوعی یک چرخش کیفی در سیاست‌های اتحادیه اروپا محسوب می‌شود؛ چراکه در آن زمان تنها برخی تصور می‌کردند که اتحادیه اروپا به درخواست‌های آمریکا برای تحریم واردات نفت از ایران پاسخ مثبت دهد. این

مقاله به‌دنبال تبیین این موضوع است که چه مولفه‌هایی بر رویکرد اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران در دولت دهم تاثیرگذار بوده است؟

1- اتحادیه اروپا و مسأله‌ی هسته‌ای ایران

اتحادیه اروپا¹ همواره تلاش داشته روابط دوستانه‌ای را بر پایه همکاری و زمینه‌های مورد علاقه مشترک با ایران ایجاد نماید، اما در سال‌های گذشته نگرانی‌های جدی درباره فعالیت‌های هسته‌ای ایران بر روابط میان ایران - اتحادیه اروپا سایه افکنده بود.

نگرانی‌های عمیق و فزاینده درباره مسائل حل نشده و موضع ایران در قبال تعهدات بین‌المللی و ارائه گزارش‌های آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای² منجر به صدور قطعنامه‌هایی توسط شورای امنیت سازمان ملل³ در سال‌های 2006، 2007، 2008 و 2010 گردید بود که در نتیجه آنها تحریم‌هایی علیه ایران وضع گردید، تحریم‌هایی که کلیه کشورهای عضو سازمان ملل موظف به اجرای آنها بودند. اتحادیه اروپا تحریم‌های مذکور سازمان ملل را به‌طور کامل اجرا و تدابیر جامعی نیز در جهت تکمیل آنها اتخاذ نمود.

یافته‌های آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای درباره فعالیت‌های ایران در راستای دستیابی به فناوری هسته‌ای نظامی که در گزارش انتشار یافته در اکتبر 2011 سازمان با‌تتاب داده شده بود بر عمق نگرانی از ماهیت برنامه‌ی هسته‌ای ایران دامن می‌زد. با توجه به این پس‌زمینه، کاترین اشتون، نماینده عالی‌رتبه اتحادیه اروپا به‌نامندگی از سوی E3+3 (چین، فرانسه، آلمان، روسیه، بریتانیا و ایالات متحده آمریکا) برای برقراری گفتگوهای سازنده، اتحادیه اروپا تصمیم به‌تمدید این تحریم‌ها گرفت.

در این زمینه، اشتون، تلاش‌های دیپلماتیک گسترده‌ای را برای از سرگیری گفتگوها با ایران از 2010 داشت. در ماه آوریل 2012، سری جدیدی از گفتگوهای هسته‌ای با ایران در شهر استانبول آغاز گردید. هدف از این گفتگوها نخست اعتمادسازی متقابل و اتخاذ یک خط‌مشی گام‌به‌گام بود. نشست‌های متعاقب در بغداد (می 2012)، مسکو (ژوئن 2012) و آلمانی (فوریه و آوریل 2013) برگزار گردید اما هیچ تفاهمی حاصل نشد. اتحادیه اروپا کماکان از ایران می‌خواست تا موضع سازنده‌ای در مذاکرات اتخاذ نموده و آمادگی خود را برای رسیدگی جدی به نگرانی‌های موجود جامعه بین‌الملل درباره فعالیت‌های توسعه‌یابنده هسته‌ای ایران نشان دهد. ایران می‌بایست اقدامات لازم را برای اطمینان بخشیدن به جامعه جهانی درباره صلح‌آمیز بودن برنامه خود انجام دهد؛ که از جمله آن اجرای تعهدات بین‌المللی و قطعنامه مربوطه شورای امنیت سازمان ملل برای همکاری کامل با آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای بود. اتحادیه اروپا ضمن به‌رسمیت شناختن حق قانونی ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای مطابق با عهدنامه عدم گسترش سلاح‌های هسته‌ای و قطعنامه‌های مربوطه از شورای امنیت سازمان ملل و آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، در صدد بود تا با انجام مذاکرات به‌توافقی جامع و بلندمدت در راستای جلب اعتماد جامعه بین‌الملل به صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای ایران دست یابد (مسائل هسته‌ای، 1391).

رهیافت نظری

واقع‌گرایی نئوکلاسیک

واقع‌گرایی نئوکلاسیک عنوانی است که «گیدئون رز» به مجموعه‌ای از آثار در روابط بین‌الملل داده است که در تبیین سیاست خارجی و فراتر از آن در توضیح روابط بین‌الملل از بسیاری از بخش‌های واقع‌گرایی استفاده کرده است (Kitchen, 2010: 117). نئوکلاسیک‌ها برخلاف نئو واقع‌گرایان تنها به عوامل سطح ساختار نظام توجه نمی‌کنند، بلکه بر آن هستند که برداشت‌های ذهنی و ساختار داخلی دولت‌ها نیز اهمیت دارد و به‌گونه‌ای بر لزوم توجه به سطوح مختلف تحلیل تأکید دارند. نئوکلاسیک‌ها را می‌توان براساس تقسیم‌بندی جک اسنایدر در دو مقوله تهاجمی و تدافعی گنجانند (مشیرزاده، 1385: 129).

واقع‌گرایی تهاجمی

طرفداران این دیدگاه بر این باورند که آنارشی، دولت‌ها را وادار می‌کند قدرت نسبی خود را بیشینه سازند. زیرا امنیت و بقا در درون نظام بین‌الملل هیچ‌گاه قطعی نیست. در واقع این آنارشی وضعیتی هابزی است که در آن امنیت کمیاب است و دولت‌ها می‌کوشند با بیشینه‌سازی امتیازهای نسبی خود به آن برسند. واقع‌گرایان تهاجمی معتقد هستند احتمال وقوع جنگ همواره وجود دارد و هیچ‌گاه به میزان آرام‌بخشی تنزل نمی‌کند. به‌نظر آنها تنها قدرت است که می‌تواند از خطر احتمال رخداد جنگ توسط حریف جلوگیری کند و در صورت رخداد جنگ مانع شکست در آن شود (Mearshimer, 2001: 12-16). مرشایمر از اعضای این شاخه، نظریه واقع‌گرایی تهاجمی را مطرح می‌کند. وی سه رویکرد واقع‌گرایی فطری بشر، واقع‌گرایی تدافعی و واقع‌گرایی تهاجمی را مطرح کرده است (Mearshimer, 2001: 22).

واقع‌گرایی تدافعی

واقع‌گرایان تدافعی به رابطه میان آنارشی و الزامات نظام بین‌الملل از یک‌سو و رفتار دولت‌ها از سوی دیگر توجه دارند. فرض آنها بر این است که آنارشی بین‌الملل معمولاً قابل چاره است؛ یعنی امنیت چندان نایاب نیست و فراوان است؛ در نتیجه دولتهایی که آن‌را در می‌یابند رفتاری تهاجمی نخواهند داشت. آنها تنها در شرایطی که احساس کنند تهدیدی علیه‌شان وجود دارد، نسبت به آن واکنش نشان می‌دهند. این واکنش نیز بیش‌تر تنها در سطح ایجاد موازنه و بازداشتن تهدیدگر است (مشیرزاده، 1385: 133). از جمله نظریه‌پردازان واقع‌گرایان تدافعی جک اسنایدر و استفان والت هستند. تأکید والت بر اهمیت موازنه تهدید، به‌جای موازنه قدرت است. در واقع از نظر او تنها صرف قدرت، مهم نیست، بلکه سایر عوامل هم مهم هستند. در واقع از نظر والت برداشت‌های دولت‌ها از یکدیگر مهم است. هرچه دولتی تجاوزکارتر باشد، احتمال اینکه دولت‌های دیگر علیه او موازنه‌سازی را در پیش گیرند، بیش‌تر است. او این دیدگاه را مطرح می‌کند که دولت‌ها در برابر هر قدرتی موازنه ایجاد نمی‌کنند، بلکه موازنه در برابر دولتهایی صورت می‌گیرد که قدرت آنها از منظر دولت ایجادکننده موازنه، تهدیدکننده نیز باشد. بر این اساس از دیدگاه والت، صرف عنصر قدرت سبب ایجاد رفتار توازن‌گرا نمی‌شود و «موازنه تهدید» مفهومی جامع‌تر و با قدرت تبیین‌کنندگی بالاتر برآورد می‌شود. در واقع‌گرایی تدافعی والت، موازنه دولت‌ها در برابر قدرت‌های تهدیدگر، قاعده اصلی رفتار آنها در سیاست خارجی است. علاوه‌بر عنصر قدرت، همراه شدن مؤلفه‌های دیگری مانند همسایگی، قابلیت‌های تهاجمی و نیات در موازنه نقشی اساسی دارند. عوامل فوق متغیرهای مستقلی انگاشته می‌شوند که تغییر در هر یک، دیگر دولت‌ها را به احتمال فراوان به احساس تهدید و اتخاذ

اقدام‌های موازنه‌ای می‌کشاند (Walt, 1985: 5-13). از نظر وی، دولت‌ها در برابر دولت‌هایی که بیش‌ترین تهدید را ایجاد می‌کنند، متحد می‌شوند. در این حالت دولت یا دولت‌های تهدیدکننده به ضرورت در شمار قوی‌ترین دولت‌ها نیستند. منظور او از تهدید صرفاً به میزان قدرت دولت‌ها بستگی ندارد؛ بلکه برداشتی که دولت‌ها در روابط خود از تهدید دارند مورد نظر او است. در نظریه موازنه تهدید «توزیع تهدیدها شامل تواناییها، نزدیکی جغرافیایی، قدرت تهاجمی و نیت و مقاصد»، در شکل‌گیری اتحاد اهمیت دارد (Walt, 1988: 281). بنابراین، نظریه موازنه تهدید بر توزیع تهدید در یک نظام بین‌المللی (جهانی یا منطقه‌ای) تأکید دارد. براساس این نظریه، دولت‌هایی که با یک تهدید یا تهدیدهای مشترک روبه‌رو هستند، با یکدیگر در مقابل آن متحد می‌شوند، پس در مطالعه اتحادها باید به‌دنبال یک دشمن مشترک گشت (Walt, 1987: 149).

بدین ترتیب، رویکرد رئالیسم نئوکلاسیک به‌دلیل توانایی در تأکید بر سطوح مختلف تحلیل و پرهیز از جزم‌گرایی موجود در سایر نظریه‌ها برداشتی جدید از واقع‌گرایی کلاسیک و نئو واقع‌گرایی والتز می‌باشد. رئالیسم نئوکلاسیک نتیجه مکالمه سیاست خارجه از طریق مطالعه ساختار نظام بین‌الملل، تأثیرات داخلی و ارتباط پیچیده بین این دو می‌باشد (توجه به رئالیسم کلاسیک و نئورئالیسم). رئالیسم نئوکلاسیک با تأکید بر هر دو نوع متغیرهای مستقل و میانه، روشی مختلف را در نظر گرفته است. موضوع اساسی این مکتب تأثیر قدرت نسبی بر سیاست خارجی است. مهم‌ترین عامل برای تحلیل سیاست خارجی برداشته‌های تصمیم‌گیران می‌باشد که از دریچه آنها، فشارهای سیستمیک وارد فرایند تصمیم‌گیری می‌شوند.

متغیر دیگری که مورد توجه این مکتب می‌باشد توان یا قدرت نسبی دولت‌ها و نوع ارتباط آنها با یکدیگر کشورها می‌باشد در واقع این مکتب به‌دنبال تحلیل سیستمیک بوده و این کار را از دریچه قدرت نسبی در دولت و برداشته‌های تصمیم‌گیران از موقعیت خود مورد بررسی قرار می‌دهند. در واقع استفاده از نظریات فرد سیستمیک مورد توجه این مکتب می‌باشد. این مکتب پی‌گیری قدرت را نشأت گرفته از انگیزه و احساس نیاز دولت‌ها برای تأمین امنیت در یک نظام آتارشیکی می‌باشد. در این مکتب دولت‌هایی که از قدرت بیش‌تری برخوردارند سیاست خارجی بلند پروازانه‌تری را دنبال می‌کنند. برداشته‌های ذهنی و سوء برداشته‌ها از فشارهای سیستمی یا تمهیدها و ساختار داخلی دولت‌ها در این مکتب از مهم‌ترین مسائل هستند.

در این راستا انگیزه‌ها، اهداف، تصمیم‌ها و رفتارهای سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قابل بررسی می‌باشد. رفتار سیاست خارجی ایران در قالب این نظریه با تلفیق دو سطح داخلی و سیستمیک، تأثیر متغیرهای مختلف را بر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد. به‌طور کلی متغیر قدرت نسبی و مجموعه‌ای از متغیرهای میان‌گر با واسطه‌ای نظیر ساختار دولت، ادراکات محاسبات رهبران دولت‌ها را در تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند به‌کار برد. نئوکلاسیک‌ها معتقد هستند سطوح داخلی و محلی به‌عنوان متغیرهای مداخله‌گر مانند یک فیلتر میان متغیر مستقل (قدرت نسبی) و متغیر وابسته (نتایج سیاست خارجی) عمل کنند. در راستای انجام این امر آنها جعبه سیاه دولت‌ها را باز می‌کنند و استدلال می‌کنند که تأثیر عوامل داخل مانند منافع گروه‌های داخلی، منافع دولت و یا نگرش نخبگان می‌تواند در شکل‌گیری سیاست خارجی موثر باشد.

از منظر این پژوهش، رویکرد اتحادیه اروپا در قبال جمهوری اسلامی ایران در دولت دهم متأثر از نقش مهم این دو بازیگر است. در واقع تحولات مختلف در دوره‌ی کنونی باعث فراز و فرود بسیاری در سیاست خارجی آنها شده است. به‌عنوان مثال رویکرد عدالت‌محور دولت دهم در تقابل با رویکرد حفظ نظم موجود اتحادیه اروپا و رویکرد اسلام‌گرا در

مقابل رویکرد لیبرالی اتحادیه اروپا قرار می‌گیرد که در مسائلی از جمله مسئله هسته‌ای و حقوق بشر در روابط این دو بازیگر نمود بارزتری پیدا نموده است. در همین راستا در ادامه‌ی پژوهش، این فرآیند در چارچوب نظریه واقع‌گرایی مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت.

2- رویکرد تحریمی اتحادیه اروپا علیه ایران

رویکرد تحریم‌های سخت و هدف‌دار اتحادیه‌ی اروپا به‌خصوص در سال 2010، روند پرشتابی گرفت. در این راستا، به‌دنبال بی‌اعتمادی روزافزون و تصویب چهار قطعنامه از سوی شورای امنیت علیه فعالیت‌های هسته‌ای ایران، سران کشورهای عضو اتحادیه‌ی اروپا در تاریخ 16 ژوئن 2010 در زمینه‌ی تحریم‌های شدیدتر علیه ایران، به توافق رسیدند. سران اروپایی در بیانیه‌ای که در پایان نشست بروکسل منتشر شد، ضمن حمایت قاطع از قطعنامه 1929 شورای امنیت، اعلام کردند که تحریم‌هایی را در بخش‌های «انرژی، سرمایه‌گذاری جدید، کمک فنی، نقل و انتقال فناوری، تجهیزات و خدمات مربوط به این حوزه‌ها به‌ویژه حوزه‌های مربوط به پالایش، گدازش و فناوری گاز طبیعی مایع شده» اعمال می‌کنند. در این جلسه، اگرچه آلمان، ایتالیا و فرانسه که سرمایه‌گذاری‌های گسترده‌ای در بخش نفت و گاز ایران کردند، نگرانی‌هایی درباره‌ی تشدید تحریم‌ها و به‌خطر انداختن سرمایه‌گذاری‌های خود مطرح ساختند، اما در نهایت همه‌ی کشورهای عضو حمایت خود را از این بیانیه اعلام نمودند. بازگرداندن ایران به میز مذاکرات و همچنین جلوگیری از حمله‌ی نظامی اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران، دادن اطمینان به کشورهای عربی هم‌پیمان آمریکا مبنی بر مقابله با برنامه‌ی هسته‌ای ایران، از اهداف این تحریم‌ها عنوان شده بود.

دو روز قبل از تصویب بیانیه‌ی تحریمی 16 ژوئن 2010 از سوی سران اتحادیه‌ی اروپا، وزرای خارجه‌ی اتحادیه‌ی اروپا در تاریخ 14 ژوئن در پی فشارهای انگلیس و فرانسه، طی نشستی در لوکزامبورگ موضوع تحریم ایران را مورد بحث و بررسی قرار داده و در نهایت تحریم‌هایی فراتر از تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران را پیشنهاد کردند. این تحریم‌ها در زمینه‌ی صنایع نفت و گاز، حمل و نقل، بیمه، بانک‌داری، انتقال فناوری، تجهیزات و خدمات بود. کاترین اشتون، مسئول سیاست خارجی اتحادیه‌ی اروپا، اعلام کرد این تحریم‌ها گامی مکمل و در حمایت از تحریم‌های سازمان ملل خواهند بود. وی تأکید می‌کرد که اتحادیه‌ی اروپا همچنان به رویکرد گفت‌وگو و مذاکره با ایران، ادامه خواهد داد. تحریم‌های فوق‌متعاقبا در جلسه‌ی مورخ 26 ژوئیه 2010 شورای اتحادیه مورد تأکید قرار گرفت.

در پی جلسه‌ی 26 ژوئیه 2010 وزرای خارجه‌ی اتحادیه‌ی اروپا، یک‌سری تحریم‌های جدید علیه ایران به‌تصویب رسید. بخش عمده‌ی این تحریم‌ها از فردای آن روز به مرحله‌ی اجرا درآمد. در تصمیم شورای وزیران اتحادیه‌ی اروپا، محدودیت‌های برقرار شده برضد ایران با هدف متمایل کردن ایران به از سرگیری مذاکرات در چارچوب گروه 1+5 توجیه شده بود. اتحادیه‌ی اروپا و آمریکا رویکرد تحریم‌های هدف‌دار و هوشمند را در برخورد با ایران مدنظر قرار دادند و از این طریق تلاش کردند با فشار زیاد، دولت ایران را جهت متوقف کردن برنامه‌ی غنی‌سازی مجاب نمایند (خالوزاده؛ افضلی، 1390: 40-38).

در پی تشدید تحریم‌های علیه ایران، اعضای اتحادیه اروپا در روز 23 ژانویه 2012 اقدام به تصویب قانون تحریم تدریجی صنعت نفت ایران و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران کردند (خبرگزاری العربیه، 2012). براساس این قانون اعضای این اتحادیه نه‌تنها از واردات نفت ایران منع می‌شدند، بلکه شرکت‌های این کشورها از ترابری، خرید و بیمه محموله‌های نفتی ایران به‌هر مقصدی در جهان منع می‌شدند (رادپو دویچه‌وله فارسی، 2012). تحریم‌هایی که اتحادیه اروپا در روز

دوشنبه 24 مهر 1391 (15 اکتبر 2012) علیه ایران اعمال کرد، از 2 دی 1391 (22 دسامبر 2012) با انتشار جزئیات آن در ژورنال این اتحادیه به‌طور رسمی به قوانین اتحادیه اروپا پیوست و اجرایی شد. این تحریم‌ها صادرات فلزات به ایران و همچنین واردات گاز طبیعی از ایران به‌هر شکلی را منع می‌کرد. شورای اروپا در بیانیه‌ای اعلام کرد با اعمال تحریم‌های جدید، تعداد نهادهای تحریم شده به رقم 490 و تعداد کلی افراد مشمول این تحریم‌ها به 105 نفر رسیده است.

تحلیل‌گران عقیده داشتند که تحریم‌های جدید اتحادیه اروپا نخستین‌بار بود که مستقیماً زندگی عادی مردم ایران را هدف قرار می‌داد. اروپا تا پیش از این سعی کرده بود عمدتاً با تحریم هدفمند افراد و نهادهای خاص به بهانه مشارکت آنها در برنامه هسته‌ای و موشکی ایران یا موضوعات حقوق بشری، از تقابل با عموم ملت ایران به‌پرهیزد؛ برخلاف آمریکا که تحریم‌های گسترده‌ای را علیه معیشت مردم ایران اعمال و اعلام کرد که هدف از آن مشخصاً هدف گرفتن مردم ایران به امید ایجاد نارضایتی از نظام در ذهن آنها بود. ورود اروپا به فاز تحریم‌های ضدانسانی نشان‌دهنده آن بود که این اتحادیه هر چه بیش‌تر، از سیاست آمریکا و اسرائیل علیه ایران تأثیر پذیرفته بود.

باربارا لویی، در گزارشی برای خبرگزاری رویترز که روز 3 دی 1389 منتشر کرده بود، در این‌باره می‌نویسد: «تحریم‌های جدید برای اروپایی که پیش از این تلاش می‌کرد محدودیت‌های اقتصادی خاصی را علیه برخی افراد و شرکت‌های مشخص اعمال کند، تغییری قابل توجهی در سیاست به‌شمار می‌رود. آمریکا تحریم‌های صنعتی گسترده‌ای را علیه ایران اعمال کرده است ولی اتحادیه اروپا از آنجایی که تمایل ندارد مجازات دولت تهران، تنبیه شدن شهروندان عادی ایران را در پی داشته باشد، در اعمال این قبیل تحریم‌های گسترده کندتر از آمریکا حرکت کرده است» (مواضع اتحادیه اروپا، 1389).

در پی اقدام اتحادیه اروپا در وضع قانون منع خرید نفت ایران از ژوئیه 2012، مجلس شورای اسلامی نیز در اقدامی پیش‌دستانه در بهمن 1390، طرح دو فوریتی را تصویب کرد که به‌موجب آن تا زمان پابرجا بودن قانون تحریم‌های نفتی علیه ایران، ایران از فروش نفت به اعضای این اتحادیه خودداری می‌کرد (همشهری آنلاین، 1390).

3- مواضع سه قدرت بزرگ اروپایی در قبال تحریم‌ها

در خصوص اعمال تحریم‌ها با هدف جلوگیری از استمرار برنامه هسته‌ای ایران، دولت‌های عضو اتحادیه اروپا دارای مواضع یکسانی بودند و تنها اختلاف آنها در خصوص شدت و زمان اجرای تحریم‌ها بود. مواضع انگلستان مشابهت زیادی به مواضع فرانسه در زمان ریاست جمهوری سارکوزی داشت و بارها با تشدید فشار علیه ایران از طریق اعمال تحریم‌ها حمایت کرده بود. این کشور در نوامبر 2010 تحریم‌های یک‌جانبه‌ای را علیه بانک مرکزی ایران اعمال کرد. حمله به سفارت انگلستان به خروج سریع پرسنل دیپلماتیک بریتانیا از تهران و اخراج دیپلمات‌های ایران از لندن منجر شد. ویلیام هیگ وزیر خارجه انگلستان اعلام کرده بود که ایران با پیامدهای جدی مواجه خواهد شد و اگر چنان‌چه هم‌چنان درصد کسب تسلیحات اتمی باشد، مسئول مستقیم شکل‌گیری جنگ سرد جدید خواهد بود. در واقع، انگلستان تحریم‌ها را به‌عنوان آخرین راهکار در جلوگیری از بروز یک درگیری نظامی و اتمی شدن ایران می‌دانست. آلمان نیز با اعمال تحریم‌ها موافق و مواضع آن بیش از گذشته تندتر شده بود.

با پیروزی فرانسیس اولاند در انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه، سیاست خارجی آتلانتیک‌گرای فرانسه تغییر کرد. مشاوران ارشد اولاند در حوزه پرونده اتمی ایران و همچنین لورانت فایوس وزیر خارجه جدید این کشور در مقایسه با اسلاف خود تا حدودی از دید و نگرش بازتری برخوردار بودند. فرانسه مخالفتی با تأکید اعضای 5+1 در خصوص سیاست

مسیر دوگانه نداشت، چراکه اعضای شاخص و ارشد حزب سوسیالیست با تحریم‌های وضع شده موافق بودند. در زمان تبلیغات انتخابات ریاست‌جمهوری فرانسه، ژان لوئیس بیانکو یکی از مشاوران اولاند در حوزه سیاست خارجی با مداخله نظامی به‌عنوان یکی از گزینه‌های پرونده ایران مخالفت کرد. البته مقام‌های فرانسوی بر این باور بودند که دسترسی ایران به توانمندی هسته‌ای موجب افزایش نفوذ ایران در منطقه و کسب جایگاه هژمونیک منطقه‌ای خواهد شد و این امر می‌تواند برای امنیت بین‌المللی خطرآفرین باشد. از این‌رو، فرانسه در کنار سایر کشورهای اروپایی خواستار مهار نفوذ ایران است. در میان تمام دولت‌های غربی، آلمان معتدل‌ترین رویکرد را در قبال ایران در پیش گرفت. ایران و آلمان از دیرباز دارای روابط دوستانه با یکدیگر بوده‌اند. با این‌حال، با توجه به بی‌نتیجه بودن مذاکرات میان ایران و گروه 1+5 در سال‌های گذشته، مقام‌های آلمانی نیز دیگر صبر خود را از دست داده و از راهبرد سایر شرکای خود در تحریم اقتصادی و بانکی و به‌ویژه واردات نفت از ایران حمایت می‌کردند. دولت آلمان که خواستار تقویت مواضع بلوک اروپایی بود، از سوی فرانسه و بریتانیا تشویق به‌ضرورت در پیش‌گرفتن اقدام‌ها و تدابیر تنبیهی بر ضد ایران شد (بررسی تحولات اخیر روابط ایران و اتحادیه اروپا، 1391).

4- اروپا و نگاه به موضوع حقوق بشر

پس از قطع‌گفت‌وگوهای سازنده در سال 2004، تاکنون ایران و اتحادیه‌ی اروپا - غیر از برخی ابتکارات دوجانبه هم‌چون فراهم آوردن مقدمات گفت‌وگوهای حقوق بشری با دانمارک که اواخر سال 2010 در حال اجرا بود و یا تداوم گفت‌وگوهای حقوق بشری با سوئیس (هرچند نه به‌عنوان کشوری عضو اتحادیه‌ی اروپا، بلکه به‌عنوان کشوری اروپایی) - گفت‌وگو و یا تعامل مستقیمی در خصوص موضوع حقوق بشر با یکدیگر نداشته‌اند. در این مدت نهادهای مختلف اروپایی به‌صورت قطعنامه و بیانیه علیه ایران ادامه داده و در همان حال نیز تمایل خود برای از سرگیری گفت‌وگوهای حقوق بشری را اعلام نموده‌اند. این تمایل به‌شکل روشنی در گزارش سال‌های 2008، 2009 و 2010 پارلمان اروپایی در خصوص وضعیت حقوق بشر در جهان ذکر شده و هم‌زمان در این مدت، جمعا هشت قطعنامه علیه وضعیت حقوق بشر در ایران صادر شده است.

در مقابل، جمهوری اسلامی نیز با اصالت بخشیدن به این دیدگاه که رفتار اروپا در مساله حقوق بشر، صرفاً رفتاری سیاست‌زده و فرصت‌طلبانه است، در این دوران، سیاستی تهاجمی در حوزه‌ی حقوق بشر اتخاذ نموده، بارها با احضار سفرای اروپایی جهت ارائه‌ی توضیح در خصوص موارد نقض حقوق بشر در این کشورها، برخی از سیاست‌های پیشین حقوق بشری خود، هم‌چون تعامل با اروپائیان جهت کاستن از لحن منفی قطعنامه‌ها را به‌کناری نهاده و تلاش می‌نماید با استفاده از ظرفیت‌های کشورهای هم‌فکر در سازمان‌های بین‌المللی، رویکرد غرب نسبت به موضوع حقوق بشر در جمهوری اسلامی را به‌چالش کشانده، با اتخاذ سیاست‌هایی آنان را از پیگیری بحث حقوق بشر در ایران و استفاده‌ی ابزاری از آن منصرف نموده، حداقل، هزینه‌ی آن‌را برای ایشان زیادتر نماید (گلشن‌پژوه، 1390: 77-76).

اتحادیه اروپا در بیانیه‌های متعددی که صادر کرده از ایران خواسته است؛ به تعهدات بین‌المللی خود در زمینه‌ی حقوق بشر، شامل میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی که ایران در آن عضویت دارد، پایبند باشد. اتحادیه اروپا هم‌چنین در تهران، بروکسل، پایتخت‌های کشورهای مختلف اروپایی و در نشست‌های چندجانبه به تعامل با ایران در زمینه مسائل حقوق بشر ادامه داد. شورای اتحادیه اروپا در واکنش به این وضعیت مستقلاً به اتخاذ تدابیر محدودکننده‌ای از سوی اتحادیه اروپا (مسدود کردن دارایی‌ها و ممنوعیت صدور ویزا) برای تعدادی از اشخاص که مسئول تخلفات جدی حقوق

بشری در ایران شناخته می‌شدند، اقدام نمود. این اقدامات بخشی از خطامی دوسویه‌ی اتحادیه اروپا را تشکیل می‌دادند که شامل محکوم ساختن تخلفات حقوق بشری و نیز کسب فرصت‌های ممکن تعامل در زمینه حقوق بشر بود. اتحادیه اروپا هم‌زمان این آمادگی را اعلام کرد تا با هدف پرداختن به زمینه‌های نگران‌کننده اصلی و تلاش در راستای بهبود اوضاع، درباره مسائل حقوق بشر با مقامات ایرانی گفتگو نماید.

اتحادیه اروپا¹ در سطح چندجانبه از قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل در زمینه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران که هر ساله اعمال می‌گردد حمایت کرده است. همچنین از صدور قطعنامه‌ای در شانزدهمین نشست شورای حقوق بشر در 24 مارس 2011 حمایت کرده که یک گزارشگر ویژه سازمان ملل را برای وضعیت حقوق بشر در ایران تعیین نموده، اتحادیه از آن هنگام به بعد نیز از تلاش‌های احمد شهید که در حال حاضر این وظیفه را عهده‌دار هستند حمایت کرد. اتحادیه اروپا یک گزارش سالیانه درباره حقوق بشر منتشر کرد که حاوی چشم‌انداز و ارزیابی اقدامات اتحادیه اروپا در زمینه حقوق بشر، بالاخص در ایران بود. دستورالعمل‌های حقوق بشر اتحادیه اروپا نیز به زبان فارسی موجود هستند. برنامه اروپا برای دموکراسی و حقوق بشر² پروژه‌هایی را در جهان و نیز ایران تامین مالی می‌کند و با در اختیار داشتن بودجه‌ای معادل 1/1 میلیارد یورو در بین سال‌های 2007 و 2013 از نهادهای غیردولتی حمایت می‌کند. برنامه مذکور به طور خاص از نهادهای ترویج‌دهنده حقوق بشر، دموکراسی و حاکمیت قانون؛ حذف مجازات مرگ؛ مقابله با شکنجه و مبارزه با نژادپرستی و سایر انواع تبعیض حمایت می‌نماید (حقوق بشر، 1391).

از سوی دیگر، دامن زدن اروپا به درگیری‌های اسلام‌هراسانه، تبعیض نسبت به مسلمانان، استفاده ابزاری از مفاهیمی هم‌چون آزادی بیان، مجازات‌های کیفری و تلاش مفرط برای بی‌عیب نشان دادن خود، از جمله انتقاداتی بود که کارشناسان حقوق بشری ایران در مقابل توقف سی‌ساله‌ی اروپا بر روی نظام حقوق بشری کشورمان و در مقابل، چشم بر هم نهادن بر حوزه‌هایی که پیشرفت‌های قابل ملاحظه‌ای در ایران داشته، ابراز می‌داشتند.

در کش‌وقوس اتهامات حقوق بشری دوجانبه میان ایران و اتحادیه اروپا، محمود احمدی‌نژاد ضمن سخنرانی خود در کنفرانس بین‌المللی سازمان ملل علیه نژادپرستی (موسوم به دوربان 2) آوریل 2009 در مقر سازمان ملل در ژنو، اسرائیل را رژیم نژادپرست اعلام می‌کند؛ که این امر باعث رنجش بیش از پیش اروپاییان و موجبات تنش‌آفرینی در روابط دوجانبه را فراهم آورد. در این سخنرانی وی، اسرائیل را «پرچمدار نژادپرستی» توصیف کرده و اعلام می‌دارد که حکومت اسرائیل «بی‌رحم‌ترین و نژادپرست‌ترین رژیم» به‌شمار می‌آید، از آن لحاظ که «یک ملت را به بهانه قربانی شدن یهودیان از سرزمین محروم کرد». این سخنان موجب خروج 23 نماینده حاضر، از کشورهای عضو اتحادیه اروپا از سالن کنفرانس شد (دهشیری، 1390: 48).

به نظر می‌رسد اتخاذ چنین رویکردی از هر دو سو، در مقاطعی فضای تعامل، گفت‌وگو و تبادل تجربه را نیز مسدود نمود. گشایش در این بن‌بست نیازمند تصمیمی قاطع از هر دو سو، به‌منظور آغاز تعامل و گفت‌وگو جهت ارتقاء درک و برداشت دوجانبه بود. تجربه نشان می‌دهد که اروپاییان، در موضوع حقوق بشر ایران کمتر دارای سیاست منسجم و بدون رخنه بوده‌اند و همواره در میان اعضای این اتحادیه، کشورهایی وجود داشته‌اند که اولویت روابط دوجانبه خود با ایران را به مسائل حقوق بشری نداده، آن‌را در بستری متفاوت و با حفظ احترام دوجانبه مطرح نموده‌اند و این از جمله ظرفیت‌هایی است که می‌بایست بیش از پیش در دستگاه سیاست خارجی کشورمان به آن توجه شود (گلشن‌پژوه، 1390: 79-78).

با این تصویر، به نظر می‌رسد اتخاذ یک رویکرد چندوجهی و هم‌زمان که «در کنار آسیب‌شناسی نقاط ضعف اجرایی و قضایی در حوزه حقوق بشر کشور و تلاش برای رفع آنان، به تداوم گفتگو و تعامل حقوق بشری با اتحادیه اروپا ادامه داده، گفتگو را برابر با وادادگی نشمرد»، رویکردی منتج به نتیجه خواهد بود. نگاهی به سرفصل‌های گفتگوهای سابق ایران و اتحادیه اروپا در حوزه حقوق بشر نشان می‌دهد، اگر اروپائیان در گفتگوهای خود به موضوعاتی هم‌چون آزادی بیان، منع اعمال شکنجه و مجازات اعدام، حاکمیت قانون، منع تبعیض علیه زنان و اقلیت‌ها و همکاری با سازوکارهای بین‌المللی حقوق بشری می‌پردازد، در مقابل گفتگوکنندگان ایرانی نیز از آنان خواستار توضیح در حوزه‌های نژادپرستی و تبعیض نژادی، اسلام‌ستیزی، اعمال تبعیض نسبت به آسیایی و آفریقایی تبارها، رعایت حقوق مهاجرین و پناهندگان، وضعیت اقلیت‌ها و هم‌چنین حق توسعه و حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده‌اند. این نشان می‌دهد فضای گفتگو را می‌توان سامان داد و در ضمن بیان دیدگاه‌های خود، به رفع برخی از مسائل صورت‌گرفته بین ایران و اروپایی‌ها پرداخت.

اگر جمهوری اسلامی ایران به‌حق مدعی پیامی نو و متفاوت در حوزه حقوق بشر، که مبتنی بر خواستگاه الهی انسان است، می‌باشد، می‌بایست بر روی این نگاه کار کرده، آن‌را مدون نموده و در نهایت در قالب و زبانی «قابل فهم» و «اکنون پسند» به جهان خارج ارائه نماید. در حال حاضر بسیاری از کشورها هستند که ضمن ارج‌گذاری به بسیاری از قواعد بین‌المللی حقوق بشر، خواهان در نظر گرفته شدن نسبیتهای فرهنگی، هم‌چنین الزامات مذهبی و سنتی در حوزه حقوق بشر ملی خویش می‌باشند. این فرصت مناسبی است تا ایران بتواند ضمن نمایش نظامی الگو و مبتنی بر حق، عدالت شهروندی و فارغ از نقض از خویش، مبلغ‌نگاهی رهایی‌بخش و نوین به‌موضوع حقوق بشر نیز باشد. نگاهی که با خلیفه‌الله دانستن انسان، ضمن حفظ کرامت ذاتی او، تکالیف و حقوق را متداول و بر مبنای دستورات الهی عنوان نماید (گلشن‌پژوه، 1391: 393-392).

5- نقش تروریسم در روابط ایران و اتحادیه اروپا

موضوع تروریسم از دیگر چالش‌های موجود در روابط ایران و اتحادیه اروپا در دوره‌ی دولت دهم بود. مهم‌ترین موضوع در مبحث تروریسم، ادعای ارتباط ایران با برخی عناصر القاعده و حمایت از برخی گروه‌های عراقی، لبنانی و فلسطینی است که اتحادیه اروپا نظیر دولت آمریکا، آنان‌را در فهرست گروه‌های تروریستی قرار داد. این در حالیست که ایران آن‌چه را که دولت‌های غربی تروریسم از سوی مردم فلسطین و لبنان می‌خوانند، بخشی از مقاومت مشروع مردم در مقابل اشغال‌گری رژیم اسرائیل می‌داند. ایران، حزب‌الله لبنان را یک حزب قانونی در سیستم سیاسی لبنان می‌داند، که در مقابل اشغال‌گری مبارزه می‌کند و اعتقاد دارد گروه‌های فلسطینی، بخشی انکارناپذیر از واقعیت صحنه‌ی فلسطین هستند (امیربیک، 1391).

اختلاف‌نظر ایران و اتحادیه اروپا در مسأله تروریسم نیز متأثر از همین مسأله بود. حمایت ایران از گروه‌های مقاومت و جهادی فلسطینی و لبنانی، علیه منافع رژیم اسرائیل بود و اتحادیه اروپا چنین حمایتی را حمایت از تروریسم تلقی می‌کرد. با چنین نگاهی، هرگونه اقدام علیه منافع رژیم اسرائیل و اتباع اسرائیل، به‌تحتوی در چارچوب اتهام «حمایت ایران از تروریسم» تلقی می‌شد. چنین اختلاف‌نظرهایی موجب شده بود که به‌رغم این موضع که «ایران هیچ‌گاه تهدیدی برای دیگر کشورها نبوده است» مورد قبول و باور اتحادیه اروپا قرار نگیرد (زنگنه، 1391).

با وجود چشم‌انداز به نسبت تیره‌ای که به‌علت برنامه هسته‌ای ایران و حمایت از گروه‌های فلسطینی و لبنانی بر روابط ایران و اتحادیه اروپا سایه افکنده بود، استفاده اتحادیه اروپا از کارت سازمان مجاهدین خلق در بازی پیچیده‌اش با جمهوری اسلامی ایران، یک نوع مقابله به‌مثل بود. حذف نام سازمان مجاهدین خلق از فهرست گروه‌های تروریستی اتحادیه اروپا، قاعدتاً همان اندازه که خشم ایران را سبب گردید، فشار بر تهران را نیز افزایش می‌داد چراکه از نگاه رهبران ایران، این سازمان، خطرناک‌ترین گروه مخالف جمهوری اسلامی است و آزاد بودن فعالیت‌های مالی و سیاسی آن در سطح اتحادیه اروپا می‌تواند برای ایران تهدیدآمیز باشد. با این حال، چالش تروریسم بیش از آنکه اختلافی برخواسته از متن روابط ایران و اتحادیه اروپا باشد، تحت تأثیر دو عامل جانبی دیگر، یعنی روابط ایران و آمریکا و اهمیت اسرائیل برای غرب قرار داشت. بر این اساس، حداقل تا هنگامی که راه‌حلی عادلانه و منطقی برای بحران خاورمیانه پیدا نشود، این چالش ادامه خواهد یافت (زنگنه، 1391).

6- روابط تجاری جمهوری اسلامی ایران با اتحادیه اروپایی

بررسی آمارها نشان می‌دهد اتحادیه اروپا در بین شرکای تجاری مهم ایران است و 20 درصد از مجموع واردات و صادرات ایران با کشورهای عضو اتحادیه اروپا است. در دولت دهم با توجه به روندی که در روابط بین ایران و کشورهای عضو اتحادیه اروپا وجود داشت، تحول خاصی در روند روابط وجود نداشته و شاهد تحرک خاصی در رابطه با همکاری اقتصادی و تجاری از یک‌طرف و تبادل هیات‌های اقتصادی و سیاسی در سطح بالا از طرف دیگر نبودیم. در این میان جو رکود موجود بیش‌تر از هر زمانی وجود داشته و به‌نظر می‌رسید طرف اروپایی رغبتی برای انجام تحرکات جدید اقتصادی از خود نشان نداده. علت می‌تواند این باشد که کشورهای عضو اتحادیه که در چارچوب سیاست‌های کلی بروکسل روابط و مناسبات اقتصادی و تجاری خود را با ایران تنظیم می‌کنند، علاقمندی زیادی برای توسعه همکاری‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در طرح‌های عمرانی و سرمایه‌گذاری در ایران نداشته‌اند که علت اصلی به‌موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران و بحث حقوق بشر باز می‌گردید. در این میان به‌ویژه بحث غنی‌سازی، توسعه مناسبات و همکاری‌های اقتصادی ایران با اتحادیه اروپا را متوقف کرده بود.

این در حالی بود که در بخش روابط و مبادلات تجاری وضعیت اصلاً بهبودی نداشته و حجم روابط تجاری با مجموعه کشورهای عضو کاهش داشت. بنابر آخرین آمار منتشره از سوی یورواستات¹، پایگاه اطلاع‌رسانی آماری اتحادیه اروپا، سطح تجارت ایران با اتحادیه در سال 2010 کمتر از 19 میلیارد یورو بود؛ که این رقم در مقایسه با سال 2009 حدود 10 درصد کاهش داشت. بنابر همین آمار، صادرات ایران به اتحادیه اروپا در سال 2010 بالغ بر 11 میلیارد یورو بوده که نسبت به سال 2009 حدود 8 درصد کاهش نشان می‌داد و واردات ایران از اتحادیه در سال 2010 معادل 8 میلیارد یورو که نسبت به سال قبل 11/5 درصد تنزل داشته بود. البته ایران از یک مازاد تجاری مثبت میلیارد یورویی در سال 2010 با اتحادیه برخوردار بود که به‌خاطر صادرات نفت می‌باشد. ایران طرف سی‌وپنجم تجاری اتحادیه بوده در حالی که اتحادیه اروپایی شریک اول تجاری ایران بود. به‌عبارت دقیق‌تر از نظر صادرات ایران طرف 34 و از نظر واردات طرف 36 اتحادیه اروپایی در سطح جهانی است که البته به‌هیچ وجه شایسته‌ی روابط زیاد دو طرف نبود (خالوزاده، 1391: 13-12).

حجم مبادلات ایران و اتحادیه اروپا در سال 2011، معادل 26 میلیارد و 831 میلیون یورو اعلام شد که 10 میلیارد و 489 میلیون یوروی آن صادرات اتحادیه به ایران و 16 میلیارد و 342 میلیون یوروی آن صادرات ایران به اتحادیه بود. در این

مدت، ایران معادل 14 میلیارد و 639 میلیون یورو به اتحادیه نفت و محصولات نفتی صادر کرده که معادل 92 درصد صادرات ایران به اتحادیه بوده و با در اختیار داشتن تنها 3 درصد جایگاه هفتم تأمین نفت اتحادیه را در اختیار داشته بود. در سوی مقابل در این سال، 52 درصد صادرات اتحادیه به ایران ماشین‌آلات و تجهیزات حمل‌ونقل و 17 درصد این صادرات مواد شیمیایی و محصولات مربوطه بوده‌اند. بدین ترتیب در سال 2011، ایران با در اختیار داشتن 9 دهم درصد از واردات اتحادیه و 7 دهم درصد از صادرات اتحادیه، بیست‌وهفتمین شریک تجاری اتحادیه بوده است. در سال 2011، در میان اعضای اتحادیه، مهم‌ترین صادرکنندگان به ایران عبارت بودند از: آلمان با 3 میلیارد و 87 میلیون یورو، ایتالیا با یک میلیارد و 866 میلیون یورو، و فرانسه با یک میلیارد و 658 میلیون یورو. مهم‌ترین واردکنندگان از ایران هم عبارت بودند از: ایتالیا با 5 میلیارد و 327 میلیون یورو، اسپانیا با 4 میلیارد و 14 میلیون یورو، و فرانسه با یک میلیارد و 747 میلیون یورو. در مجموع، مهم‌ترین شرکای تجاری ایران در اتحادیه اروپا در این سال عبارت بودند از: ایتالیا، اسپانیا، آلمان، فرانسه و هلند. اما براساس گزارش یورواستات، طی چهار ماه اول 2012، حجم کلی روابط تجاری ج. ا. ایران و اتحادیه اروپا معادل 5 میلیارد و 654 میلیون یورو بوده که از این میزان، صادرات اتحادیه به ایران معادل 2 میلیارد و 277 میلیون یورو و صادرات اتحادیه به ایران معادل 2 میلیارد و 277 میلیون یورو و صادرات ایران به اتحادیه معادل 3 میلیارد و 376 میلیون یورو بوده است. مقایسه این ارقام با ارقام مدت مشابه 2011 نشان از سیر نزولی و کاهش مناسبات تجاری ایران و اتحادیه دارد (زنگنه، 1391).

در این میان حجم مبادلات تجاری ایتالیا و ایران در سال 2012 بالغ بر 3,65 میلیارد یورو اعلام شده است که بالاترین رقم نسبت به مبادلات سایر اعضای اتحادیه اروپا با ایران در این سال بوده است. مبادلات تجاری ایتالیا و ایران در این سال با کاهش 49 درصدی نسبت به سال قبل از آن مواجه شد. ایتالیا در سال 2012 بالغ بر 1,415 میلیارد یورو کالا به ایران صادر و 2,239 میلیارد یورو کالا از ایران وارد کرده بود. صادرات این کشور به ایران در سال 2012 با کاهش 24 درصدی نسبت به سال قبل از آن مواجه شده و واردات این کشور از ایران نیز 58 درصد کاهش داشته بود. آلمان دومین شریک تجاری ایران در میان اعضای اتحادیه اروپا بود. مبادلات این کشور با ایران در این سال 2,48 میلیارد یورو اعلام شد که با کاهش 25 درصدی نسبت به سال قبل از آن مواجه شده بود. صادرات آلمان به ایران در سال 2012 بالغ بر 18 درصد کاهش داشت و به 2,25 میلیارد یورو رسید و واردات این کشور از ایران با 56 درصد کاهش به 313 میلیون یورو رسیده بود. براساس این گزارش یونان که سال 2011 در جمع سه شریک عمده تجاری ایران درون اتحادیه اروپا قرار نداشت در سال 2012 و به‌دلیل افت شدید مبادلات اسپانیا و فرانسه با ایران در رتبه سومین شریک تجاری ایران قرار گرفته بود. مبادلات تجاری این کشور با ایران در سال 2012 تنها 27 درصد کاهش داشت و از 1,98 میلیارد یورو در سال 2011 به 1,43 میلیارد یورو در سال 2012 رسیده بود. صادرات این کشور به ایران با کاهش 34 درصدی به 15 میلیون یورو رسید و واردات این کشور از ایران 28 درصد کاهش یافت و به 1,41 میلیارد یورو رسیده بود. اسپانیا و فرانسه نیز به ترتیب چهارمین و پنجمین شرکای تجاری ایران در درون اتحادیه اروپا شناخته شده بودند. مبادلات تجاری اسپانیا با ایران در سال 2012 با کاهش 73 درصدی نسبت به سال قبل از آن مواجه شد و به 1,23 میلیارد یورو رسیده بود. مبادلات تجاری فرانسه با ایران نیز 72 درصد کاهش یافت و به 930 میلیون یورو رسیده بود (باشگاه خبرنگاران جوان، 1392).

نتیجه‌گیری

از زمان پیروزی انقلاب در ایران، روابط ایران با اتحادیه‌ی اروپا - در آن زمان جامعه‌ی اقتصادی اروپا - فراز و نشیب‌های بسیاری را تجربه کرده و به واسطه‌ی تحولات سازمانی این اتحادیه، ظهور متغیرهای جدید و تحولات منطقه خاورمیانه و تأثیر آنها، کم‌تر پیش آمده که روابط مذکور دارای ثبات و روندی روبه‌گسترش در یک بازه زمانی درازمدت باشد. بدیهی است مهم‌ترین دلیل چنین وضعیتی خروج ایران از اردوگاه غرب و ضدیت با سیاست‌های هژمونیک ایالات متحده در جهان، اقدامات و نفس وجود رژیم اسرائیل بوده است. فعالیت‌های هسته‌ای ایران و مباحث حقوق بشری نیز به‌عنوان متغیرهای جدید، بیش از پیش بر روابط دو طرف تأثیر گذاشته و محدودیت‌های بسیاری را در راه توسعه و ارتقاء مناسبات سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و امنیتی ایجاد کرده بود. با این حال، روابط ایران با کشورهای اروپایی پس از انقلاب اسلامی تحت تأثیر عوامل مختلفی از جمله جنگ، فتوای قتل سلمان رشدی، ماجرای دادگاه میکونوس، موضوع هسته‌ای و انتخابات سال 1388 در ایران قرار گرفته بود. می‌توان گفت تنها در دوره‌ی خاتمی روابط دو طرف - با توجه به اتخاذ سیاست تنش‌زدایی از سوی ایشان - از ثبات و آرامش قابل قبولی برخوردار بود. اما با جدی شدن پرونده هسته‌ای ایران از یک سو و تغییر سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از سوی دیگر و اتخاذ دیپلماسی تهاجمی از سوی دولت نهم و دهم روابط تهران - بروکسل دچار تنش‌های جدی شد. برگزاری انتخابات ریاست جمهوری سال 1388، حوادث پس از آن و مواضع دولت‌های اروپایی در قبال آن موجب افزایش تنش‌ها میان ایران و اتحادیه اروپا شده بود. طی این دوره، با تغییر رویکرد سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران دوران سردی در روابط طرفین آغاز شد که تا سال 1392 نیز ادامه داشت. اما با به قدرت رسیدن حسن روحانی در ایران و اتخاذ سیاست خارجی جدید، رویکردهای جدیدی در مناسبات اروپا و ایران آغاز شد. مجموعه تحولات باعث گردید تا برای نخستین بار در طی دوازده سال گذشته توافقی برای حل و فصل مسائل هسته‌ای ایران حاصل شود.

نتیجه یازدهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری و تغییر فضای گفت‌وگویی در ایران و طرح و پیگیری موضوعاتی چون تنش‌زدایی، اعتدال، تعامل سازنده با جهان و بازسازی مناسبات ایران و کشورهای خارجی در سیاست خارجی، باعث ایجاد انگاره‌های جدیدی شد؛ که با استقبال کشورهای اروپایی روبرو شد.

اتحادیه اروپا تحت تأثیر انگیزه‌های مختلف نظیر توسعه روابط اقتصادی و انرژی و افزایش حجم سرمایه‌گذاری در ایران، افزایش نفوذ در منطقه، اثرگذاری بر روند صلح خاورمیانه با استفاده از نفوذ و جایگاه ایران، مبارزه با تروریسم و بنیادگرایی، جلوگیری از اشاعه سلاح‌های کشتار جمعی و ایجاد نظام چندجانبه‌گرایی به‌جای یکجانبه‌گرایی آمریکا در خاورمیانه و ایفای نقش یک قدرت بین‌المللی اثرگذار در کنار آمریکا به‌ویژه در پرونده هسته‌ای ایران؛ تلاش می‌کند تا روابط سیاسی خود را با تهران گسترش دهد. در مقابل ایران نیز در راستای بهره‌گیری از نفوذ اقتصادی اتحادیه اروپا در اقتصاد و تجارت بین‌الملل، استفاده از قدرت سیاسی و بین‌المللی آن در حل و فصل بحران‌های بین‌المللی، جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی اروپا با توجه به نیازهای کشور، استفاده از تکنولوژی‌های جدید و دانش نوین اعضای اتحادیه اروپا در مسایل گوناگون، بهره‌گیری از قدرت سیاسی - اقتصادی آن در مقابل آمریکا و کم اثر ساختن فشارهای سیاسی و اقتصادی واشینگتن به‌ویژه در زمینه پرونده هسته‌ای، می‌تواند روابط خودش را با اروپا گسترش دهد. بر این اساس و با توجه به نگاه اغلب کشورهای اروپایی به دولت جدید ایران و نیز آغاز گفت‌وگومان اعتدال‌گرایی در ایران، اتحادیه اروپا و ایران به برداشت جدیدی مبتنی بر همکاری متقابل با یکدیگر دست یافته‌اند و لذا در سایه‌ی اجرای توافق هسته‌ای می‌توان پیش‌بینی کرد مناسبات ایران و اتحادیه اروپا رو به بهبود و ارتقاء خواهد بود.

منابع

الف فارسی

1. امیربیک، علی (1391)، چالش‌های اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران، 23 اردیبهشت، <http://amirbaik.blogfa.com/post/29>
2. باشگاه خبرنگاران جوان (1392)، طی سال 2012، ایتالیا، آلمان و یونان بزرگ‌ترین شرکای تجاری ایران در اتحادیه اروپا شدند، 6 فروردین، yjc.ir/fa/news/4321085
3. بررسی تحولات اخیر روابط ایران و اتحادیه اروپا (1391)، سایت مطالعات اروپا، دوشنبه ششم آذر، <http://europeanstudies.blogfa.com/post/51>
4. حقوق بشر (1390)، سایت اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران: http://eeas.europa.eu/delegations/iran/eu_iran/human_rights/index_fa.htm
5. خالوزاده، سعید؛ افضل، توحید (1390)، رویکردهای اتحادیه‌ی اروپا در قبال ایران، کتاب اروپا 10 (ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
6. خالوزاده، سعید (1391)، نقش مبادلات تجاری و همکاری‌های اقتصادی در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپایی، ایران و اتحادیه اروپا: تجارت و چشم اندازها (جلد 1)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
7. خبرگزاری العربیه (2012)، اتحادیه اروپا نفت ایران و بانک مرکزی را تحریم کرد، <http://www.alarabiya.ir>
8. دهشیری، محمدرضا (1390)، درآمدی بر سیاست خارجی احمدی‌نژاد، تهران: شرکت انتشارات علمی - فرهنگی.
9. رادیو دویچه‌وله فارسی (2012)، اتحادیه اروپا بیمه محموله‌های نفتی ایران را از تحریم معاف کرد، <http://www.dw.com/fa-ir>
10. زنگنه، حمید (1391)، برآورد و تحلیل روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه اروپا، خبرگزاری فارس، <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910709001097>
11. سنایی، اردشیر؛ رحمتی مقدم، رومیس (1394)، روابط ایران و اتحادیه اروپا پس از روی کار آمدن دولت یازدهم، فصلنامه پژوهشنامه روابط بین‌الملل، دوره 8، شماره 29، بهار.
12. گلشن‌پژوه، محمدرضا (1390)، حقوق بشر و جایگاه آن در سیاست اتحادیه‌ی اروپا در قبال ایران، کتاب اروپا 10 (ویژه روابط ایران و اتحادیه اروپا)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.
13. گلشن‌پژوه، محمدرضا (1391)، ارزیابی تأثیر متغیر حقوق بشر در روابط جمهوری اسلامی ایران و اتحادیه‌ی اروپا، ایران و اتحادیه اروپا: تجارت و چشم اندازها (جلد 1)، تهران: موسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران.

14. مسائل هسته‌ای (1391)، سایت اتحادیه اروپا و جمهوری اسلامی ایران:
http://eeas.europa.eu/delegations/iran/eu_iran/nuclear_issues/index_fa.htm
15. مشیرزاده، حمیرا (1385)، تحول در نظریه‌های روابط بین‌الملل، تهران: سمت.
16. همشهری آنلاین (1390)، مجلس پیش‌نویس طرح قطع صادرات نفت به اروپا را نهایی کرد.
<http://www.hamshahrionline.ir/>
17. مواضع اتحادیه اروپا (1389)، پایگاه مطالعات استراتژیک برنامه هسته‌ای ایران،
 WWW.IRANNUC.IR

(ب) لاتین

1. Kitchen, Nicholas (2010) Systemic pressures and domestic ideas: a neoclassical realist model of grand strategy formation, **Review of international studies**, 36 (1). pp. 117-143.
2. Walt, Stephen M (1985), Alliance Formation and the Balance of World Power, **International Security**, Vol. 9, No. 4
3. Walt, Stephan (1987), the Origins of Alliance, Ithaca: Cornell University Press
4. Walt, Stephen (1988 spring), Testing Theories of Alliance Formation: The Case of Southwest, Asia, **International Organization**, Vol. 2, No. 42



پروفیسر شہناز گل خان
پرنسپل جامعہ اسلامیہ اسلامیہ